

آقای مُدِراتو^۱، معلم موسیقی، ضمن اظهار همدردی به اندی گفت: بهتر است که بخشِ ریتم را امتحان کند، شاید شانس بیشتری داشته باشد. چشم‌های اندی، از فکر کوبیدن بر روی طبل قرمزِ براق، درخشید.

در خیال می‌دید که در کنار گروه، قدم‌رو می‌رود و ریتم^۲ را به خوبی نگه می‌دارد. اما، اندی در موقع تمرین هیچ‌وقت در لحظه‌ای که باید، نمی‌زد و همیشه زمانی به طبل می‌کوفت که لازم نبود. واقعاً گرفتار رؤیاهایش شده بود.

۱ - Moderato: سرعت یکنواخت، نه تند و نه کند.

۲ - Rhythm: زمان‌بندی و سرعت یک آواز یا آهنگ.



بالاخره آقای مُدِرَاتو به اندی گفت حالا می‌داند با او چه کار کند. گفت: ”آندی، هارپ سازِ خوبیه، آن را یاد بگیر!“
اندی از این فکر خیلی خوشش آمد. اما وقتی نوبت به کادانس^۱ آندی رسید، یک جوری به سیم‌ها گره خورد. چه ناراحت‌کننده!

آندی هر ماه به کنسرت تالار موسیقی شهر جُغدها می‌رفت و آرزو می‌کرد که ای کاش شبیه نوازنده‌هایی بود که در آنجا می‌دید. اما برای این که مثل آنها باشد، بیش از هر چیزی به تمرین احتیاج داشت.

shiraz-beethoven.ir

